

# بررسی مقایسه‌ای وضعیت شرکت‌های عمده نفت و گاز و روند تحولات آنها در آینده

مجله علمی اقتصاد انرژی

## چکیده

شناخت تحولات و روند حرکت صنعت جهانی نفت، مستلزم شناخت رفتار و عملکرد بازیگران عمده در این صنعت است. شرکت‌های معظم بین‌المللی نفتی بدون شک یکی از بازیگران اصلی در شکل‌دهی به تحولات این صنعت می‌باشند. به‌علاوه این شرکت‌ها در مقاطع مختلف به‌عنوان رقبا یا شرکای کشورهای صاحب نفت از جمله ایران نیز ایفای نقش می‌نمایند. لذا به‌دلیل برخورداری این شرکت‌ها از سوابق و تجارب ارزشمند فنی و مدیریتی و فعالیت در محیط‌ها و زمینه‌های متنوع؛ شایسته است صنعت نفت کشورمان ضمن بررسی تجارب این شرکت‌ها، در فعالیت‌های خود آنها را لحاظ نماید. بر این اساس در این مقاله، وضعیت و عملکرد ده شرکت برتر ملی و بین‌المللی فعال در صنعت نفت و گاز در سال‌های ۲۰۰۴ و قبل از آن از دو بعد فیزیکی و مالی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و سپس با یکدیگر مقایسه خواهد شد. برای انجام این کار از داده‌های مربوط به رده‌بندی‌های هفته‌نامه Petroleum Intelligence Weekly و موسسه Petroleum Finance Company به‌عنوان مآخذ و

منبع اطلاعاتی استفاده شده است. بررسی وضعیت و عملکرد شرکت‌های ملی و بین‌المللی نشان می‌دهد که شرکت‌های بین‌المللی به‌عنوان بازیگران اصلی بازارهای انرژی دیگر مانند گذشته به ادغام‌های کلان به‌عنوان استراتژی اصلی توسعه نمی‌نگرند و سیاست توسعه‌ای آنها بیشتر به تملک شرکت‌های کوچک محدود می‌شود. در عوض این شرکت‌ها پس از ایجاد ساختارهای جدید و پشت سر گذاشتن دوران تغییرات به دنبال افزایش سودآوری از طرق گوناگون (کاهش هزینه‌ها، ابداعات تکنولوژیکی و ...) می‌باشند. از سوی دیگر در حالی که شرکت‌های بین‌المللی برای افزایش نسبت ذخایر به تولید خود دچار مشکل شده‌اند، شرکت‌های ملی نفت و گاز به سبب روند رو به رشد ملی شدن، افزایش میزان تولید نفت و گاز، روند فزاینده تملک‌ها و ادغام‌های کلان و نیز قیمت‌های بالای نفت و گاز در رده‌بندی‌های آتی از لحاظ شاخص‌های فیزیکی در رتبه‌های بالاتری قرار خواهند گرفت. در سال‌های آینده روسیه به‌عنوان یکی از عرضه‌کنندگان بزرگ انرژی و چین و هند به‌عنوان مصرف‌کنندگان عمده انرژی در بازارهای جهانی انرژی نقش بسیار مهمی را ایفا خواهند کرد. در سال‌های آتی شاهد ظهور بازیگر اصلی دیگری از سرزمین روسیه در بازارهای انرژی خواهیم بود که به جهت وجوه مشترک آن با شرکت ملی نفت ایران، پیگیری دقیق تحولات این شرکت برای صنعت نفت کشورمان مسلماً درس آموز خواهد بود.

## واژه‌های کلیدی: شرکت‌های ملی و بین‌المللی نفت و گاز، تملک‌ها و ادغام‌ها، شاخص‌های مالی و فیزیکی، Corporate Diagnosis.

### ۱. مقدمه

شرکت‌های معظم بین‌المللی نفتی به‌عنوان بازیگران اصلی صنعت نفت و گاز در جهان نقشی اساسی در شکل‌دهی به تحولات این صنعت در ابعاد منطقه‌ای و جهانی دارند. بدون شک تجربیات گرانبهای شرکت‌های بین‌المللی نفتی که طی سال‌های متمادی در بخش‌های مختلف صنعت نفت و گاز به‌دست آمده است، می‌تواند پشتوانه خوبی برای بهبود و ارتقای دانش فنی و مدیریتی برای صنعت نفت کشورمان و نیز اتخاذ سیاست‌های راهبردی متناسب با شرایط نوین جهانی باشد.

مقاله حاضر سعی دارد تا با بررسی وضعیت و عملکرد ده شرکت برتر ملی و بین‌المللی فعال در صنعت نفت و گاز؛ ابتدا وضعیت کنونی آنها را از دو بعد فیزیکی و مالی با یکدیگر مقایسه کند و سپس با در نظر گرفتن شرایط موجود، تحرکات آتی آنها را در بازار مورد پیش‌بینی قرار دهد. بر این اساس وضعیت و عملکرد ۱۰ شرکت برتر ملی

و بین‌المللی فعال در صنعت نفت و گاز در سال‌های ۲۰۰۴ و قبل از آن از دو بعد فیزیکی و مالی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و سپس با یکدیگر مقایسه شده‌اند (Corporate Diagnosis)<sup>۱</sup>. برای انجام این کار از داده‌های مربوط به رده‌بندی‌های هفته‌نامه Petroleum Intelligence Weekly و موسسه Petroleum Finance Company به‌عنوان ماخذ و منبع اطلاعاتی استفاده شده است. در ابتدا، داده‌های مربوط به عملکرد فیزیکی و مالی شرکت‌های ملی و بین‌المللی نفت و گاز به‌صورت جداگانه مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته سپس تفسیر کلی از روند تحولات و استراتژی‌های اتخاذ شده در سال‌های اخیر به همراه پیش‌بینی تحرکات آتی این شرکت‌ها ارائه می‌شود.

### مقایسه عملکرد فیزیکی شرکت‌های نفت و گاز

برای سهولت بیشتر در بررسی و مقایسه وضعیت و عملکرد شرکت‌ها، فقط ۱۰ شرکت برتر که توسط موسسات WPI و PFC شناسایی و رده‌بندی شده‌اند مورد مقایسه و ارزیابی قرار گرفته‌اند که شرکت ملی نفت ایران نیز در بین آنها قرار دارد. برای بررسی و مقایسه عملکرد فیزیکی شرکت‌های نفت و گاز ابتدا متغیرهای مربوط به بخش بالادستی شرکت‌های مذکور و سپس شاخص‌های مربوط به فعالیت‌های پایین‌دستی آنها مورد ارزیابی قرار گرفته و سپس با یکدیگر مقایسه می‌شوند.

عمده‌ترین متغیرهای بخش بالادستی، ذخایر، تولید و نسبت ذخایر به تولید (R/P) نفت خام و گاز طبیعی می‌باشند که در اینجا به‌طور اجمال ابتدا میزان تولید نفت و میعانات گازی و گاز و سپس میزان ذخایر نفت و گاز شرکت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت میزان R/P آنها با یکدیگر مقایسه می‌شود.

میزان تولید نفت و گاز یکی از شاخص‌های مهم عملیاتی شرکت‌های نفت و گاز بشمار می‌آید که بر اساس آن میزان دستیابی شرکت‌ها به اهداف عملیاتی ارزیابی می‌شود. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود شرکت‌هایی چون KPC (کویت)، INOC (عراق)، Pertamina (اندونزی)، Sonatrach (الجزایر) و Petronas (مالزی) اگرچه در رتبه‌بندی کلی در بین ۱۰ شرکت برتر قرار ندارند، اما از لحاظ میزان تولید نفت و گاز در زمره ۱۰ شرکت برتر جهان قرار دارند.

۱. Corporate Diagnosis، تشخیص سازمانی روشی برای شناخت نقاط قوت و توانایی شرکتها و نیز ارزیابی پیشرفت آنها در مقایسه با شاخص‌های تعیین شده (Benchmarking) است.

جدول ۱. رده‌بندی ده شرکت برتر بر اساس میزان تولید نفت و گاز در سال ۲۰۰۴

تولید گاز (میلیون فوت مکعب در روز)	شرکت	رده‌بندی	تولید نفت (هزار بشکه در روز)	شرکت
۵۲۵۷۴	Gazprom	۱	۹۸۳۰	Saudi Aramco
۹۸۶۴	Exxon	۲	۴۰۸۱	NIOC
۸۸۰۸	Shell	۳	۳۷۵۴	Pemex
۸۵۰۳	BP	۴	۲۶۰۰	PDV
۸۲۶۹	NIOC	۵	۲۵۷۱	Exxon
۷۷۳۲	Sonatrach	۶	۲۵۳۱	BP
۶۱۹۰	Saudi Aramco	۷	۲۴۲۴	KPC
۶۰۲۵	Pertamia	۸	۲۳۳۳	Shell
۴۸۹۴	Total	۹	۲۱۲۴	PetroChina
۴۷۲۴	Peronas	۱۰	۲۰۲۷	INOC

منبع: Petroleum Intelligence Weekly، ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵

با مقایسه میزان ذخایر نفت و گازی که در اختیار شرکت‌ها قرار دارد (جدول ۲) و میزان تولید آنها (جدول ۱) می‌توان دریافت که نسبت ذخایر به تولید (R/P) شرکت‌های ملی نفت بدان جهت بالاست که ذخایری که در اختیار آنها می‌باشد در حقیقت جزو ذخایر ملی کشورهای متبوعشان است. اما شرکت‌های ExxonMobile، Royal Dutch Shell، ChevronTexaco و سایر شرکت‌های بین‌المللی، به سبب آنکه عمده ذخایری که به‌عنوان دارایی‌های زیرزمینی آنها محاسبه می‌شود در خارج از کشورهای متبوعشان قرار داشته و عمدتاً در چارچوب قراردادهای امتیاز انحصاری، مشارکت در تولید و یا بعضی از انواع قراردادهای خدماتی می‌باشد، این نسبت (ذخایر به تولید) پایین است. بررسی نسبت ذخایر به تولید هیدروکربن ۶ شرکت عمده نفت (ExxonMobil، ChevronTexaco، ENI، Total، BP، Shell) نشان می‌دهد که در دوره زمانی ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳ به‌جز شرکت شل که رقم R/P هیدروکربوری آن، کاهش نسبتاً زیادی مواجه بوده است<sup>۱</sup> در سایر شرکت‌ها این رقم تغییر اندکی داشته است. این امر موقعیت نه چندان مناسب شرکت‌های عمده نفتی را در این زمینه نشان می‌دهد. شاید بتوان گفت که یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های این شرکت‌ها در سرمایه‌گذاری‌ها،

۱. بررسی وضعیت و عملکرد مقایسه‌ای شرکت‌های عمده بین‌المللی نفتی ۲۰۰۳-۱۹۹۸، مهران امیرمعینی، جعفر دامن‌پاک و محمدعلی حاجی‌میرزایی، اسفند ۱۳۸۳، موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.

مشارکت‌ها و تملک‌های خود، به‌دست آوردن و دسترسی به ذخایر نفت و گاز برای اطمینان بیشتر نسبت به ادامه فعالیت‌های خود می‌باشد.

## جدول ۲. رده‌بندی ۱۰ شرکت برتر براساس میزان ذخایر نفت و گاز در سال ۲۰۰۴

رده بندی	ذخایر گاز (میلیارد فوت مکعب)	رده بندی	ذخایر نفت و میعانات (میلیارد بشکه)	درصد مالکیت دولت	کشور	شرکت	رده بندی کلی PIW
۴	۲۳۸۴۰۰	۱	۲۶۲۷۰۰	۱۰۰	عربستان سعودی	Saudi Aramco	۱
۱۳	۶۰۳۶۲	۱۳	۱۱۶۵۱	-	ایالات متحده	Exxon Mobil	۲
۵	۱۵۰۰۴۳	۵	۷۷۱۴۰	۱۰۰	ونزوئلا	PDV	۳
۲	۹۷۰۸۰۰	۲	۱۳۲۵۰۰	۱۰۰	ایران	NIOC	۴
۱۵	۴۸۵۰۷	۱۸	۹۹۳۴	-	انگلستان	BP	۵
۱۷	۴۰۵۶۶	۲۵	۵۵۰۳	-	انگلستان و هلند	Royal Dutch Shell	۶
۲۱	۲۲۷۸۵	۲۲	۷۰۰۳	-	فرانسه	Total	۷
۲۴	۱۹۶۷۵	۱۹	۸۱۴۰	-	ایالات متحده	Chevron	۸
۲۹	۱۴۸۰۷	۱۰	۱۴۸۰۳	۱۰۰	مکزیک	Pemex	۹
۱۶	۴۴۶۴۵	۱۴	۱۱۰۱۹	۹۰	چین	PetroChina	۱۰

منبع: Petroleum Intelligence Weekly, ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵

بخش پایین‌دستی شامل فعالیت‌های مربوط به پالایش نفت‌خام، بازاریابی، حمل و نقل و فروش فرآورده‌های نفتی و تجارت نفت‌خام می‌باشد که در برخی از شرکت‌ها با عنوان بخش پالایش و فروش نیز نامیده می‌شود. شرایط حاکم بر این بخش با بخش بالادستی تفاوت قابل توجهی دارد. اول اینکه فعالیت این بخش به‌دلیل نبود محدودیت‌های بخش بالادستی، گسترده‌تر می‌باشد و بنابراین رقابت در این بخش بسیار فشرده است. به‌همین دلیل شرکت‌های فعال در این بخش برای تداوم فعالیت در بازار و حفظ سودآوری، با مشکلات بسیار بیشتری در مقایسه با بخش بالادستی رو به‌رو هستند. نکته قابل توجه دیگر در این بخش، گستردگی بیشتر واحدهای فعال در این بخش و به‌ویژه در مناطق عمده مصرف‌کننده می‌باشد. اکثر واحدهای تولیدی این بخش در اختیار شرکت‌های وابسته به کشورهای مصرف‌کننده قرار دارند. هر کدام از

شرکت‌های عمده فعال در بخش پایین‌دستی برای حفظ سودآوری، استراتژی‌های خاص خود را داشته‌اند.

ظرفیت پالایشی و میزان فروش به ترتیب از جمله مهم‌ترین شاخص‌های حجم و اندازه و نیز عملکرد فیزیکی شرکت‌ها در بخش پایین‌دستی است که اولی نشان‌دهنده میزان حضور و فعالیت شرکت‌ها در بخش پایین‌دستی و دومی نشان‌دهنده میزان حضور شرکت‌ها در بازار بین‌المللی فرآورده می‌باشد و در تمامی شرکت‌های بین‌المللی، میزان فروش فرآورده از میزان تولید آنها بیشتر است. این امر حاکی از معاملات فرآورده‌های نفتی توسط این شرکت‌ها و نیز تمایل آنها به حضور هرچه بیشتر در بازارهای بین‌المللی است. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، ExxonMobil هم از لحاظ ظرفیت پالایشی و هم فروش فرآورده در رتبه نخست قرار دارد که نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری بالای این شرکت در بخش پایین‌دستی و نیز حضور فعال این شرکت در بازارهای بین‌المللی است. شرکت Royal Dutch Shell نیز از لحاظ ظرفیت و فروش فرآورده در رتبه دوم قرار دارد. نکته قابل توجه این است که PDV تنها شرکت ملی نفت است که از لحاظ ظرفیت پالایشی در رده‌های بالای جدول قرار گرفته است و سایر شرکت‌های ملی نفت نظیر SaudiAramco و شرکت ملی نفت ایران در رتبه‌های پایین جدول قرار دارند.

### مقایسه عملکرد مالی شرکت‌های نفت و گاز

برای بررسی و مقایسه بهتر وضعیت عملکردی شرکت‌های ملی و بین‌المللی نفت، می‌توان این شرکت‌ها را بر اساس شاخص‌های مالی مورد ارزیابی و مقایسه قرار داد که مهم‌ترین این شاخص‌ها عبارت‌اند از: درآمد ناخالص، سود خالص و میزان کل دارایی‌های شرکت که از جمله شاخص‌های اصلی مالی برای ارزیابی عملکرد مالی شرکت‌ها محسوب می‌شوند. نکته قابل توجه در این رده‌بندی‌ها این است که اطلاعات موجود منحصرأ از گزارش‌های سالانه و یا منابع اطلاعاتی شرکت‌ها به دست آمده است و در مواردی که اطلاعات دقیق در دسترس نبوده است (اغلب در مورد شرکت‌های ملی نفت) این اطلاعات از منابع ثانویه و یا برآوردهای به‌عمل آمده توسط شرکت‌ها و موسسات تحقیقاتی اخذ شده است. به‌عنوان مثال PIW اطلاعات مربوط به شرکت‌های روسی و یا شرکت‌های حوزه خزر را از گزارش موسسه<sup>۱</sup> Energy Intelligence Research استخراج

۱. گزارش Almanac of Russian & Caspian Petroleum در سال ۲۰۰۵

کرده است!

همان طور که قبلا اشاره شد فروش کل (یا درآمد ناخالص) یک شرکت از جمله شاخص های سنجش حجم و اندازه یک شرکت است که تا اندازه ای نیز به معیارهای عملکردی یک شرکت مرتبط می باشد. فروش گسترده تر یک شرکت نشان دهنده حضور

جدول ۳. رده بندی ده شرکت برتر بر اساس ظرفیت پالایشی و میزان فروش  
فرآورده در سال ۲۰۰۴

رده بندی	فروش فرآورده (هزار بشکه در روز)	رده بندی	ظرفیت پالایشی (هزار بشکه در روز)	درصد مالکیت دولت	کشور	شرکت	رده بندی کلی PIW
۹	۲۵۲۲	۹	۲۳۵۰	۱۰۰	عربستان سعودی	Saudi Aramco	۱
۱	۸۲۱۰	۱	۶۳۷۱	-	ایالات متحده	Exxon Mobil	۲
۸	۲۶۱۰	۳	۳۰۹۲	۱۰۰	ونزوئلا	PDV	۳
۱۲	۱۷۵۴	۱۴	۱۴۷۴	۱۰۰	ایران	NIOC	۴
۳	۶۳۹۸	۵	۲۸۲۳	-	انگلستان	BP	۵
۲	۷۶۰۰	۲	۴۲۶۷	-	انگلستان و هلند	Royal Dutch Shell	۶
۶	۳۰۱۸	۶	۲۶۹۲	-	فرانسه	Total	۷
۴	۳۹۰۸	۱۰	۲۲۱۲	-	ایالات متحده	Chevron	۸
۱۴	۱۵۴۲	۱۳	۱۷۰۷	۱۰۰	مکزیک	Pemex	۹
۱۳	۱۷۵۴	۱۲	۲۱۱۴	۹۰	چین	PetroChina	۹

منبع: Petroleum Intelligence Weekly, ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵

۱. شاخص های مورد بررسی در بخش عملکرد مالی شرکت ها را می توان به سه دسته طبقه بندی نمود. دسته اول عبارتند از شاخص های مربوط به اندازه و حجم شرکت که در این ارتباط می توان از شاخص هایی نظیر دارایی کل، ارزش بازاری و فروش کل یا درآمد ناخالص نام برد. دسته دوم شاخص های مربوط به کارایی شرکت می باشند. از جمله این شاخص ها می توان به سود شرکت اشاره کرد. و بالاخره دسته سوم شاخص ها مربوط به شاخص های عملیاتی و عملکردی می باشند که عمده ترین آنها سود خالص می باشد. البته شاخص های دیگری نظیر حقوق صاحبان سهام، سرمایه مورد استفاده، بازدهی سرمایه، نسبت سود به فروش (حاشیه سود)، سرانه فروش، سود عملیاتی، عایدی هر سهم، سود سهام توزیع شده، در ارزیابی عملکرد مالی شرکت ها مورد استفاده قرار می گیرند که در اینجا برای سهولت بیشتر و پرداختن به مطالب مهم تر از آنها صرف نظر شده است.

و تاثیر بیشتر شرکت در بازار و احتمالاً قدرت تعیین‌کنندگی در بازار می‌باشد. با توجه به رقابت شدید در بازارهای جهانی، سیاست اکثر شرکت‌های نفتی، افزایش حجم فروش و نیز کسب هر چه بیشتر سهم بازار بوده است. سود (عملیاتی و خالص) معیار عمده سنجش عملکرد یک شرکت در یک سال می‌باشد. با توجه به ماهیت شرکت‌های عمده نفتی و حضور آنها در بازارهای بورس، یکی از عمده‌ترین معیارهای تصمیم‌گیری در بازار سهام درباره این شرکت‌ها و نوسانات ارزش سهام آنها میزان سود (و به تبع آن سود هر سهم) می‌باشد. جدول ۴ نشان می‌دهد که شرکت ExxonMobile از نظر میزان سود خالص در رتبه اول قرار دارد و از لحاظ میزان درآمد ناخالص نیز در رتبه سوم جدول قرار گرفته است. شرکت BP نیز از لحاظ میزان درآمد ناخالص در رتبه اول و از لحاظ سود خالص در رتبه سوم جدول قرار دارد. نکته قابل توجه در این جدول این است که شرکت‌های ملی نفت ایران و SaudiAramco عمدتاً به سبب در دسترس نبودن اطلاعات در رده‌بندی مربوط به سود خالص لحاظ نشده‌اند اما این دو شرکت به‌رغم این‌که از لحاظ میزان ذخایر و نیز تولید نفت و گاز در رتبه‌های بالای جدول قرار دارند، ولی از نظر میزان درآمد ناخالص در رتبه‌های پایین‌تری قرار گرفته‌اند. شرکت ملی نفت ایران از لحاظ میزان ذخایر نفت و گاز و نیز تولید نفت در مرتبه دوم، از لحاظ تولید گاز در رتبه پنجم و لحاظ میزان درآمد ناخالص در مرتبه ۲۳ جدول جای گرفته است. شرکت SaudiAramco نیز از لحاظ میزان درآمد ناخالص در رتبه ششم جدول قرار گرفته است. یکی از دلایل این امر این است که شرکت‌های بین‌المللی نفت، منابع درآمدی دیگری چون تجارت نفت و درآمدزایی از بخش پایین‌دستی (بخش پالایش و پتروشیمی) دارند ولی درآمد شرکت‌های ملی عمدتاً منحصر به فروش نفت خام و گاز است. دلیل دیگر این است که هزینه‌ها در شرکت‌های بین‌المللی به‌دلیل بهره‌گیری از فن‌آوری‌های جدید و نیز اصلاح ساختار سازمانی و به‌کارگیری روش‌های پیشرفته مدیریتی تا حد امکان کاهش یافته است بنابراین این شرکت‌های بین‌المللی به‌سمت بهینه‌سازی عملکرد و هزینه‌های خود حرکت می‌کنند تا بدین‌وسیله به اهداف خود که همان سوددهی بیشتر و یا ایجاد ارزش بیشتر برای سهامداران است دست یابند. اما شرکت‌های ملی نفت به‌دلیل داشتن برخی اهداف غیرتجاری و وجود تقسیم‌بندی‌ها در عملیات صنعت نفت کشورهای مربوطه و نحوه تقسیم درآمد بین آنها و دولت‌های متبوعشان، آمار هزینه‌ها و درآمدهایشان معمولاً به‌صورت شفاف منعکس نمی‌شود. یادآور می‌شود که به‌نظر بعضی صاحب‌نظران، مقایسه وضعیت و عملکرد مالی شرکت‌های ملی و بین‌المللی نفت به لحاظ تفاوت موجود میان ماهیت و نیز مأموریت



این شرکت‌ها نمی‌تواند صحیح و اصولی باشد. جالب توجه آنکه اگرچه شرکت ملی نفت مکزیک (Pemex) در رده‌بندی کلی به‌طور مشترک با PetroChina در جایگاه نهم قرار گرفته است اما از لحاظ میزان درآمد ناخالص در جایگاه دهم و از لحاظ سود خالص در مرتبه یکصد و پانزدهم است حال آنکه شرکت ملی نفت چین PetroChina توانسته است از لحاظ میزان سود خالص در مرتبه پنجم قرار گیرد.

جدول ۴. رده‌بندی ۱۰ شرکت برتر براساس شاخص‌های مالی در سال ۲۰۰۴

رده‌بندی کلی	PIW	شرکت	کشور	دولت	درصد مالکیت	درآمد ناخالص (میلیون دلار)	رده‌بندی	سود خالص (میلیون دلار)	رده‌بندی	میزان دارایی‌ها (میلیون دلار)	رده‌بندی	تعداد کارکنان	رده‌بندی
۱		Saudi Aramco	عربستان سعودی	۱۰۰	۱۲۲۰۰۰	۶	-	-	-	-	۵۳۹۵۴	۲۰	
۲		Exxon Mobil	ایالات متحده	-	۲۷۰۴۱۱	۳	۲۵۳۳۰	۱	۱۹۵۲۵۶	۱	۸۵۹۰۰	۱۱	
۳		PDV	ونزوئلا	۱۰۰	۶۷۵۰۰	۱۱	۴۰۵۰	۱۵	-	-	۳۳۹۹۸	۲۸	
۴		NIOC	ایران	۱۰۰	۳۲۵۰۰	۲۳	-	-	-	-	۱۱۵۰۰۰	۶	
۵		BP	انگلستان	-	۲۸۶۸۳۶	۱	۱۷۲۶۲	۳	۱۹۴۶۳۰	۲	۱۰۲۹۰۰	۱۰	
۶		Royal Dutch Shell	انگلستان و هلند	-	۲۷۰۸۴۳	۲	۱۸۱۸۳	۲	۱۹۲۸۱۱	۳	۱۱۲۰۰۰	۸	
۷		Total	فرانسه	-	۱۵۶۶۷۳	۴	۱۱۹۷۳	۶	۱۱۴۷۹۵	۵	۱۱۱۴۰۱	۹	
۸		Chevron	ایالات متحده	-	۱۴۷۳۳۲	۵	۱۳۳۲۸	۴	۹۳۲۰۸	۷	۵۶۵۳۴	۱۹	
۹		Pemex	مکزیک	۱۰۰	۶۹۶۶۳	۱۰	-۲۲۶۳	۱۱۵	۸۴۱۱۴	۹	۱۳۷۷۲۲	۵	
		PetroChina	چین	۹۰	۴۷۱۱۸	۱۴	۱۲۰۴۲۱	۵	۷۳۶۰۵	۱۰	۴۲۴۱۷۵	۱	

منبع: Petroleum Intelligence Weekly، ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵

ارزش بازاری<sup>۱</sup> از دیگر شاخص‌های مالی مربوط به اندازه یک شرکت است. اما باید در نظر داشت که به‌دلیل نقش این شاخص در تصمیم‌گیری‌های بازار سهام،

۱. ارزش بازاری به‌صورت حاصلضرب تعداد سهام عادی شرکت در قیمت پایان سال هر سهم، محاسبه می‌شود.

نوسان‌های آن تابع نوسان متغیرهای غیراقتصادی (مسایل سیاسی و ...) و متغیرهای بازار سهام (عایدی هر سهم، سود سهام توزیع شده، سیاست خرید مجدد سهام و ...) می‌باشد. با این حال از آنجایی که ارزش بازاری، یکی از شاخص‌های سنجش اعتبار شرکت‌ها در بازارهای مالی است، بررسی مقادیر آن در شرکت‌های عمده نفتی می‌تواند مفید باشد.

در سال ۲۰۰۴ به مدد قیمت‌های بالای نفت و گاز، میانگین ارزش بازاری ۵۰ شرکت برتر موجود در رده‌بندی PFC، ۳۴ درصد بالاتر از سال قبل بود. شرکت‌هایی که عمده فعالیت‌هایشان روی نفت متمرکز بود توانستند در رده‌بندی سال ۲۰۰۴ رتبه‌های بالاتری را کسب کنند. به عبارت دیگر از ۱۰ شرکت برتر جدول، ۹ شرکت و از مجموع ۲۰ شرکت برتر، ۱۶ شرکت در زمره شرکت‌های نفتی هستند که عمدتاً در صنعت نفت فعال‌اند.

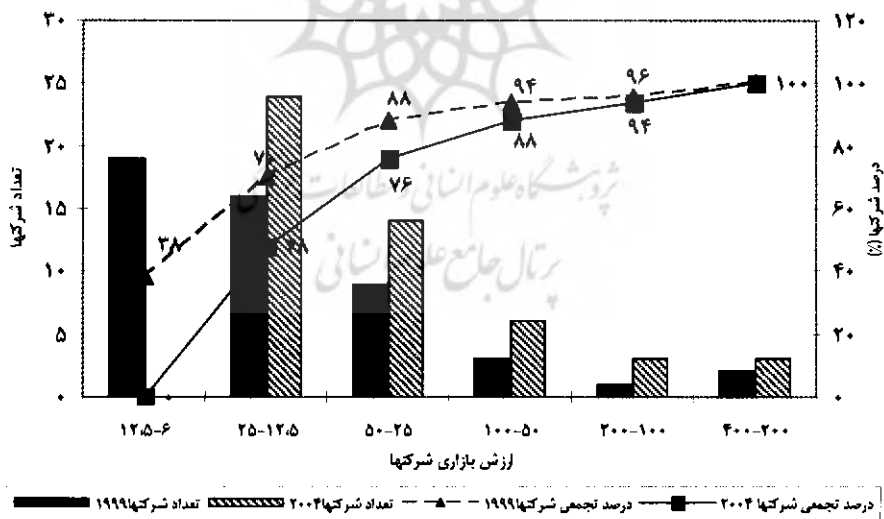
جدول ۵. رده‌بندی ۱۰ شرکت برتر نفت و گاز بر اساس ارزش بازاری در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴

فعالیت عمده	محل استقرار دفتر مرکزی	ارزش بازاری (میلیارد دلار) ۳۱ دسامبر ۲۰۰۴	نام شرکت	رده بندی ۳۱ دسامبر ۲۰۰۳	رده بندی ۳۱ دسامبر ۲۰۰۴
نفت و گاز	ایالات متحده	۳۳۰/۷	ExxonMobil	۱	۱
نفت و گاز	انگلستان	۲۱۰	Bp	۳	۲
نفت و گاز	انگلستان و هلند	۲۱۰/۹	Royal Dutch Shell	۲	۳
نفت و گاز	فرانسه	۱۳۸/۲	Total	۴	۴
نفت و گاز	ایالات متحده	۱۱۱/۹	Chevron Texaco	۶	۵
نفت و گاز	ایتالیا	۱۰۰/۳	ENI	۷	۶
نفت و گاز	چین	۹۴/۵	PetroChina	۵	۷
متنوع	استرالیا و انگلستان	۷۲	BHP Billiton	۸	۸
نفت و گاز	روسیه	۶۵/۳	Gazprom	۱۶	۹
متنوع	آلمان	۶۳/۲	E.ON	۹	۱۰

منبع: PFC Energy 50، ژانویه ۲۰۰۵

نکته قابل توجه در مورد ارزش بازاری شرکت‌ها این است که میانگین ارزش بازاری شرکت‌های موجود در رده‌بندی طی ۵ سال گذشته روند صعودی داشته است.<sup>۱</sup> همان‌طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود در رده‌بندی انرژی ۵۰، در پایان سال ۱۹۹۹ ارزش بازاری ۳۸ درصد شرکت‌ها بین ۶ تا ۱۲/۵ میلیارد دلار (۱۹ شرکت)، ارزش بازاری ۳۲ درصد از شرکت‌ها بین ۱۲/۵ تا ۲۵ میلیارد دلار (۱۶ شرکت)، ارزش بازاری ۱۸ درصد از شرکت‌ها بین ۲۵ تا ۵۰ میلیارد دلار (۹ شرکت)، ارزش بازاری ۶ درصد از شرکت‌ها بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار (۳ شرکت)، ارزش بازاری ۲ درصد از شرکت‌ها بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیارد دلار (۱ شرکت) و تنها ۴ درصد از شرکت‌ها دارای ارزش بازاری بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار بودند (۲ شرکت). حال آنکه در رده‌بندی پایان سال ۲۰۰۴ همین منبع، ارزش بازاری هیچ شرکتی کمتر از ۱۲/۵ میلیارد دلار نبوده است. در حقیقت ارزش بازاری کوچک‌ترین شرکت موجود در رده‌بندی در پایان سال ۲۰۰۴ معادل ۱۵/۳ میلیارد دلار بوده است و ارزش بازاری ۴۸ درصد از ۵۰ شرکت موجود در رده‌بندی PFC بین ۱۲/۵ تا ۲۵ میلیارد دلار بوده است.<sup>۲</sup>

نمودار ۱. مقایسه ارزش بازاری شرکت‌ها در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۴



۱. PFC Energy 50، ژانویه ۲۰۰۵، ۲۰۰۴، ۲۰۰۳، ۲۰۰۲، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲

۲. PFC Energy 50، ژانویه ۲۰۰۵، ۲۰۰۴، ۲۰۰۳، ۲۰۰۲، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲

علاوه بر تغییراتی که در میزان ارزش شرکت‌های موجود در جدول صورت گرفته، پراکندگی جغرافیایی آنها نیز دچار تغییراتی شده است، بدین ترتیب که در چند سال گذشته، روسیه و چین به کانون محوری بخش انرژی تبدیل شده‌اند و هند نیز به لحاظ تاثیر روزافزون این کشور بر بازار توانسته است به یکی از بازیگران اصلی این عرصه تبدیل شود. کمبود ظرفیت مازاد تولید جهانی نفت که به سختی قادر به پاسخگویی به رشد تقاضای نفت چین است باعث شده تا قیمت‌های نفت افزایش یابد. در سال ۲۰۰۴، حدود ۳۵ درصد از رشد تقاضای جهانی نفت (معادل ۲/۷ میلیون بشکه در روز)، مربوط به کشور چین بود. تقاضای چشمگیر چین برای نفت و نیز تولید قابل توجه روسیه باعث شده است تا شرکت‌های انرژی این دو کشور (اعم از دولتی و خصوصی) به سرعت پله‌های ترقی را در جدول رده‌بندی (انرژی ۵۰) طی کنند. اگرچه سیاست‌های داخلی روسیه ایجاب کرد که شرکت Yukos از جدول مذکور خارج شود اما در عوض این کشور سعی دارد شرکتی را وارد صنعت انرژی کند که از لحاظ میزان ذخایر (معادل بشکه نفت) ۵ برابر شرکت ExxonMobil و از لحاظ تولید (معادل بشکه نفت) از شرکت Saudi Aramco بزرگ‌تر باشد. این ابر شرکت ملی Gazprom نام دارد که در ادامه، وضعیت فعلی و روند تحولات آن در آینده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ابشرکت Gazprom

طی دو سال گذشته سیاست مقام‌های روس بر این بوده است که با انجام ادغام‌های کلان، شرکت Gazprom را به یک ابر شرکت ملی نفت و گاز تبدیل کنند. کرملین قصد دارد شرکت Gazprom را که در حقیقت جزو آخرین اهرم‌های اقتصادی در دست دولت است، تبدیل به لوکوموتیو توسعه روسیه (که در حال کسب اقتدار از دست رفته خود است)، بنماید، تا بدین ترتیب روسیه بتواند در عرصه جهانی، به جایگاه قبلی (یعنی دوران جنگ سرد) باز گردد. بدین ترتیب شرکت Gazprom دیگر یک شرکت انحصاری تامین‌کننده گاز اروپا محسوب نمی‌شود، بلکه مسئولین این شرکت قصد دارند پا را از بازارهای سنتی فراتر بگذارند و در بازارهای جهانی با شرکت‌های عمده بین‌المللی نفت و گاز به رقابت بپردازند. با توجه به روند رو به رشد بین‌المللی شدن تجارت گاز در ده سال آینده و نیز توسعه چشمگیر شرکت Gazprom، پیش‌بینی می‌شود که این شرکت بتواند نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در بازارهای گاز در سال‌های آتی ایفا کند. در بازار نفت نیز پیش‌بینی می‌شود که این شرکت بتواند با شرکت‌های بزرگی چون ExxonMobil و سایر شرکت‌های عمده بین‌المللی نفت به رقابت برخیزد. اما به‌رغم ذخایر گاز بسیار

عظیمی که در اختیار Gazprom است این شرکت باید تلاش نماید تا از امتیاز دسترسی به ذخایر گاز روسیه و کشورهای آسیای میانه در رقابت با سایر کشورها به بهترین وجهی، حداکثر بهره‌برداری را بنماید. در حال حاضر شرکت Gazprom برای دستیابی به اهداف توسعه‌ای خود با مشکل کمبود منابع مالی مواجه است و تا زمانی که این شرکت نتواند از لحاظ کارآیی و عملکرد، پا به پای شرکت‌های بین‌المللی حرکت کند، تحقق اهدافش برای تبدیل شدن به یک شرکت عمده انرژی، به تعویق خواهد افتاد.

شرکت Gazprom در حال حاضر بزرگ‌ترین شرکت گاز جهان محسوب می‌شود. حدود ۶۰ درصد ذخایر گاز روسیه و ۲۰ درصد ذخایر کشف شده گاز جهان در اختیار این شرکت قرار دارد (نمودار ۳). در سال ۲۰۰۴ این شرکت موفق شد ۵۴۵ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی تولید کند که حدود ۸۵ تا ۹۰ درصد کل تولید روسیه در این سال است. بزرگ‌ترین شبکه انتقال گاز دنیا متعلق به شرکت Gazprom است که وظیفه انتقال کل گاز تولید شده در روسیه را به عهده دارد. شرکت Gazprom در سال ۲۰۰۳ حدود ۲۲ درصد از کل تولید گاز طبیعی جهان را به عهده داشت (در حال حاضر شرکت Saudi Aramco حدود ۱۲ درصد از تولید نفت خام<sup>۱</sup> جهان را به خود اختصاص داده است) (نمودار ۲). اگرچه ذخایر نفت و گاز شرکت Gazprom تقریباً ۵ برابر ذخایر شرکت ExxonMobil است ولی ارزش بازاری آن حدود یک چهارم ارزش بازاری ExxonMobile در سال ۲۰۰۴ بود که بدین ترتیب در مرتبه نهم جدول انرژی ۵۰ PFC قرار گرفت (نمودار ۳).

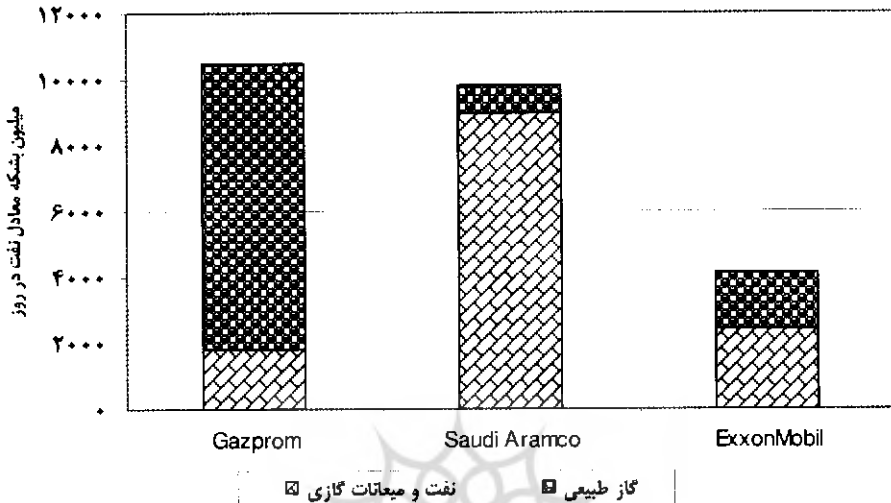
یکی از دلایل پایین بودن ارزش بازاری شرکت Gazprom، محدود بودن فروش سهام شرکت به سهامداران خارجی است. از جمله عوامل دیگری که مانع از افزایش ارزش بازاری شرکت می‌شود، می‌توان به طولانی شدن روند تملک Rosneft، مشکلات پرونده Yukos و Yuganskneftegaz و همچنین استراتژی و مدیریت غیرشفاف شرکت توسط مدیران و مقامات کرملین اشاره کرد. اما افزایش بیش از صد درصدی قیمت سهام شرکت در سال ۲۰۰۴ که به رغم آشفتگی وضع داخلی روسیه و شرکت به تحقق پیوست، حکایت از قدرت و توان ذاتی شرکت Gazprom دارد.

دولت روسیه با اتکاء به توان ذاتی Gazprom درصد برآمده تا از این شرکت یک قهرمان ملی بسازد و این شرکت را به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی بازارهای بین‌المللی

1. PFC Energy 50, January 2005

نمودار ۲. مقایسه تولید شرکتهای ExxonMobil و Gazprom, Saudi Aramco

( میلیون بشکه معادل نفت در روز )



منبع: PFC و BP Statistical Review, Datastream

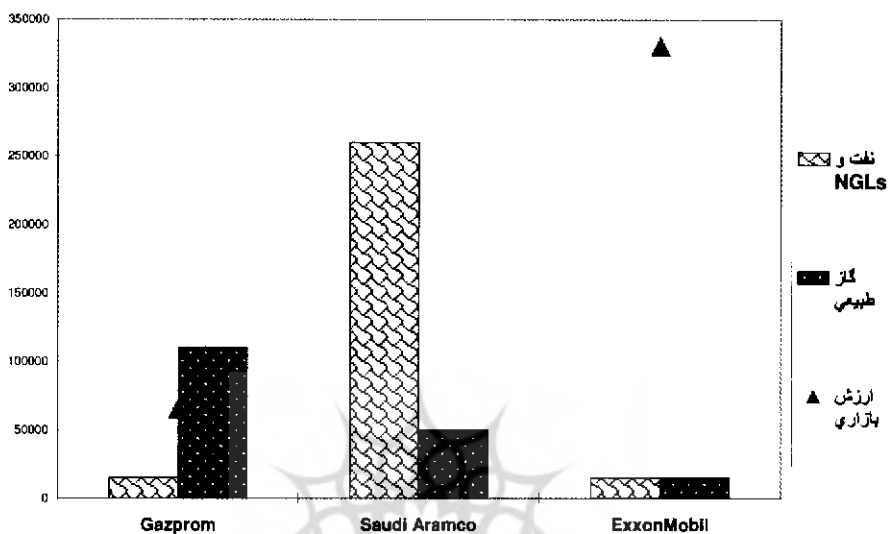
توضیح: میزان ذخایر و تولید شرکت Gazprom شامل ذخایر و تولید شرکت‌های Rosneft و Yuganskneftegaz نیز است.

گاز که نقش لوکوموتیو توسعه را برای اقتصاد روسیه ایفا می‌کند، معرفی نماید. اهداف بلندمدت روسیه چنین اقتضا می‌کند که این کشور استراتژی صادرات به بازارهای متنوع در موقعیت‌های جغرافیایی مختلف را برای خود برگزیند و گاز صادراتی خود را از طریق خط لوله و یا به صورت LNG به بازارهای هدف برساند. البته در کوتاه‌مدت نیل به چنین هدفی برای روسیه دشوار است اما این کشور مصمم است تا با مشارکت سایر شرکت‌های عمده بین‌المللی نفت و گاز، سرمایه مورد نیاز و فناوری‌های پیشرفته مورد نیاز خود را به‌دست آورده و گاز خود را در بازارهای مورد نظر، به‌فروش برساند. البته در حال حاضر سهم بازار شرکت Gazprom بسیار قابل توجه است و این شرکت ۲۰ درصد تقاضای اروپای غربی و بخش اعظم تقاضای اروپای شرقی را تامین می‌کند. علاوه بر این Gazprom قصد دارد تا از طریق صادرات LNG وارد بازارهای آسیا و آمریکا نیز بشود.

علی‌رغم برخورداری از ذخایر عظیم گاز که نقطه قوت Gazprom محسوب می‌شود، در صورت رقابت این شرکت با شرکت‌های بین‌المللی انرژی این شرکت با

### نمودار ۳. مقایسه میزان ذخایر نفت و گاز و ارزش بازاری شرکت‌های Gazprom, ExxonMobil و Saudi Aramco

(میلیون بشکه معادل نفت و میلیون دلار)



منبع: PFC و BP Statistical Review, Datastream

توضیح: ارزش بازاری شرکت‌های Gazprom و ExxonMobile مربوط به پایان سال ۲۰۰۴ است. ارزش بازاری Gazprom شامل ارزش بازاری برآورد شده برای شرکت‌های Rosneft و Yuganxkneftegaz پس از تملک آنها توسط Gazprom است. اطلاعات مربوط به ارزش بازاری Saudi Aramco در دسترس نمی‌باشد.

چالش‌های بزرگی رو به‌رو خواهد بود. اگرچه چالش‌های فراروی این شرکت متعدد هستند اما مشکلات مربوط به تامین منابع مالی و وضعیت سیاسی روسیه (دخالتهای روزافزون دولت در امور شرکت‌ها و نیز یارانه‌های دولتی) از جمله عمده‌ترین مشکلات پیش روی این شرکت محسوب می‌شوند.

علاوه بر مشکل تامین منابع مالی طرح‌های بین‌المللی Gazprom برای اجرای طرح استراتژیک صادرات گاز، تامین هزینه‌های سرمایه‌ای طرح‌های داخلی نیز از چالش‌های پیش‌روی این شرکت است. بدین ترتیب که بیش از ۶۰ درصد از تولید گاز این شرکت از سه میدان بزرگ در منطقه Nadym-Pur-Taz تامین می‌شود و هزینه‌های سرمایه‌ای ناکافی و تعمیر و نگهداری نامناسب، باعث تسریع روند تهی شدن ذخایر در این میادین شده است. عدم توجه به این مسئله می‌تواند مشکلاتی را در زمینه افزایش یا حتی حفظ سطح تولید برای Gazprom به‌وجود آورد که بخش عمده این مشکلات

پس از سال ۲۰۰۷ خود را نشان خواهند داد. علاوه بر این بیش از بیست سال از عمر شبکه داخلی انتقال گاز تحت اختیار Gazprom می‌گذرد و عملیات تعمیر و نگهداری و توسعه خطوط اصلی این شبکه، هزینه‌های سنگینی را به این شرکت تحمیل کرده است.

سیاست دولت مسکو مبنی بر نظارت و کنترل بخش اعظم شرکت Gazprom نیز سبب بروز مشکلاتی شده است؛ از جمله دخالت دولت در امور شرکت مانع از سودآوری و ارتقای کارایی آن شده است. علاوه بر مشکلات مربوط به تامین منابع مالی، نظارت دولت در قیمت‌گذاری گاز طبیعی در بازارهای داخلی نیز این شرکت را با مشکلاتی رو به‌رو ساخته است. بیش از ۵۰ درصد از تولید گاز شرکت Gazprom در بازارهای داخلی روسیه و بنا به ملاحظات سیاسی و اجتماعی، با قیمت یارانه‌ای به فروش می‌رسد که این امر باعث کاهش چشمگیر درآمدهای شرکت می‌شود. مضافاً اینکه مالیات‌های سنگینی که به بهانه تامین منابع مالی طرح‌های اجتماعی از Gazprom اخذ می‌شود، توان مالی این شرکت را به شدت کاهش داده است.

جریان‌ها و ملاحظات سیاسی، روند اصلاح ساختار و تجدید ساختار Gazprom را در حاله ای از ابهام فرو برده است. معاملات مربوط به تملک و ادغام شرکتهای Yukos، Yuganskneftegaz و Rosneft مثال‌های روشنی از تاثیر سیاست‌های مسکو در تحولات شرکت‌های انرژی در روسیه است. در حقیقت علائم مبهم و تفسیرناپذیری که توسط مقامات کرملین و شرکت Gazprom به بازارهای انرژی ارسال می‌گردد، باعث نگرانی سرمایه‌گذاران خارجی شده و آنها را از سرمایه‌گذاری در شرکت Gazprom و یا به‌طور کلی در صنعت نفت و گاز روسیه، باز می‌دارد. بنابراین اگر سیاست‌های ابهام‌آمیز و نیز اقدامات نظارتی دولت همچنان ادامه یابد، شرکت Gazprom از میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی در طرح‌های گاز این شرکت محروم خواهد شد.

حضور شرکتهای بین‌المللی در صنعت گاز روسیه و نیز مشارکت آنها با شرکت Gazprom در طرح‌های LNG، منوط به تمایل آنها به انجام سرمایه‌گذاری‌های کلان و نیز دستیابی آنها به پایانه‌های LNG در آمریکای شمالی است. در قبال این سرمایه‌گذاری‌ها، Gazprom نیز می‌تواند امتیاز فعالیت در بخش گاز و نفت را در اختیار این شرکت‌ها بگذارد. البته بسته به میزان رشد Gazprom در بخش نفت، میزان حضور شرکت‌های بین‌المللی نیز متغیر خواهد بود.

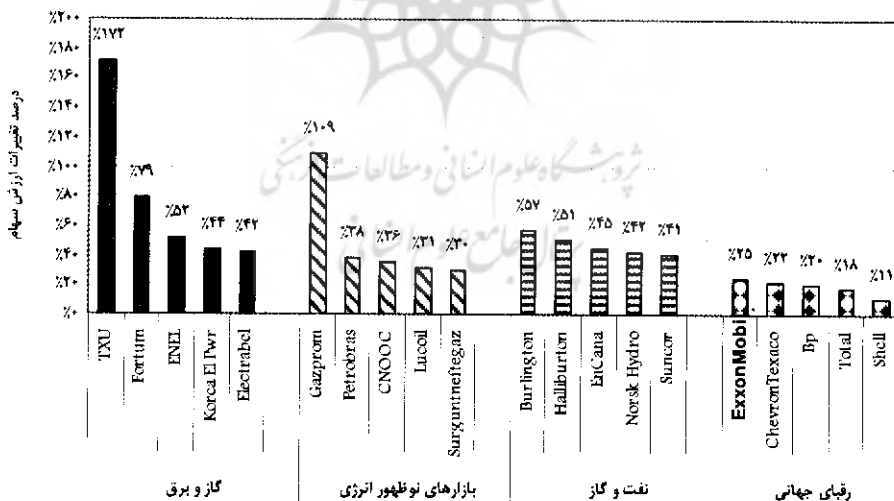
در نهایت می‌توان گفت که شرکت Gazprom قصد دارد تا از یک شرکت صرفاً فعال در بخش اکتشاف و تولید، به شرکتی بین‌المللی و پیشرو در تمامی بخش‌های



صنعت نفت و گاز تبدیل شود. بدین منظور این شرکت باید بتواند چندین طرح بزرگ و پیچیده را به‌طور هم‌زمان در نقاط مختلف جهان اجرا و مدیریت کند. اما مدیران شرکت و مقامات کرملین چنین عزم و توانایی را تا کنون از خود نشان نداده‌اند و تنها عاملی که توانسته است این شرکت را تا حدی به اهداف خود نزدیک کند وجود ذخایر عظیم گاز در اختیار Gazprom و قدرت چانه‌زنی مقامات مسکو است. اما تا زمانی که Gazprom به شرکتی کارآمد و رقابتی تبدیل نشده است، به سختی می‌توان آنرا شرکتی پیشرو در صنعت جهانی نفت و گاز به حساب آورد.

نمودار ۴ تغییرات قیمت سهام ۵ شرکت برتر در بخش‌های مختلف انرژی در سال ۲۰۰۴ را نسبت به سال ۲۰۰۳ نشان می‌دهد. با مقایسه شرکت‌های فعال در بخش‌های مختلف می‌توان دریافت که قیمت سهام شرکت‌های فعال در زمینه برق و گاز، دارای بیشترین رشد بوده است (شرکت TXU با رشد قیمت سهامی معادل ۱۷۲ درصد).<sup>۱</sup> شرکت‌های فعال در بازارهای نوظهور (که شرکت‌های عمدتاً ملی کشورهای نظیر روسیه، چین، برزیل و... هستند) در رتبه دوم قرار دارند. علت این امر نیز

نمودار ۴. تغییرات ارزش سهام ۵ شرکت برتر در بخش‌های مختلف انرژی



منبع: PFC Energy 50، ژانویه ۲۰۰۵

۱. PFC Energy 50، ژانویه ۲۰۰۵ و ۲۰۰۴

همان‌طور که قبلاً ذکر شد تملک‌های اخیر شرکت‌های Gazprom، Lukoil و Surgunneftegaz در روسیه و همچنین تملک و توسعه شرکت چینی CNOOC است. در این میان میزان رشد قیمت سهام شرکت Gazprom چشمگیر است (۱۰۹ درصد). در میان شرکت‌های عمده انرژی نیز شرکت ExxonMobil با ۵۷ درصد رشد در صدر و شرکت Shell با ۱۱ درصد رشد قیمت سهام در پایین‌ترین رتبه در میان ۵ شرکت عمده نفت و گاز قرار گرفته است، علت رشد اندک قیمت سهام شرکت Shell (همان‌طور که قبلاً نیز بدان اشاره شد) برآورد بیش از واقع این شرکت از میزان ذخایر زیرزمینی آن بود که بعداً مسئولین شرکت مجبور به اصلاح و کاهش این ارقام شدند. در مجموع، در بین ۵۰ شرکت مطرح شده در جدول رده بندی انرژی ۵۰ موسسه PFC، در سال ۲۰۰۴ شرکت TXU با ۱۷۲ درصد افزایش قیمت سهام در بالاترین جایگاه و شرکت Yukos با ۹۴ درصد کاهش قیمت سهام در پایین‌ترین رتبه قرار گرفتند حال آنکه شاخص S&P 500 در سال ۲۰۰۴ معادل ۹ درصد رشد داشته است.

### روند تحولات شرکت‌ها در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۴

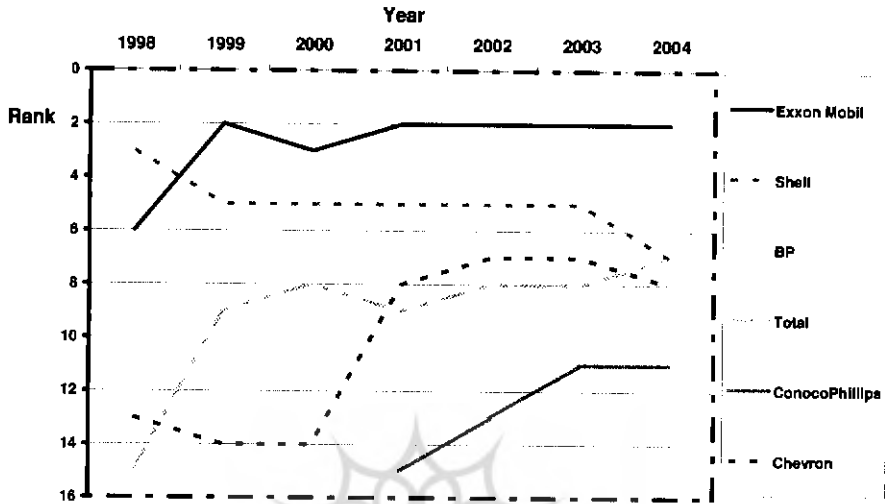
با بررسی رده‌بندی‌های به‌عمل آمده توسط PIW و PFC در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۴ (نمودار ۵) می‌توان دریافت که در حال حاضر شرکت‌های عمده بین‌المللی نفت در بهترین شرایط خود هستند و بعید به نظر می‌رسد که بیش از این بتوانند به سیر صعودی خود ادامه دهند. طی پنج سال گذشته ابرشرکت‌های نفتی و سایر شرکت‌های بزرگ بین‌المللی به مدد ادغام‌های کلانی که در آستانه ورود به قرن بیست و یکم صورت دادند، توانستند در رده‌بندی‌ها به نحو چشمگیری از شرکت‌های ملی نفت پیشی بگیرند<sup>۱</sup> و هم اکنون به نظر می‌رسد که به نقطه اوج خود رسیده‌اند و دیگر چشم‌انداز روشنی برای صعود آنها به چشم نمی‌خورد.<sup>۲</sup>

در حقیقت دهه ۱۹۹۰ سر آغاز روند ادغام‌ها و تملک‌ها در صنعت نفت بود و گرچه نسبت به سایر صنایع با تأخیر همراه بود اما نهایتاً شرکت‌های عمده نفتی نیز که از جمله بازیگران مؤثر در صنعت نفت بوده‌اند از این روند متأثر شدند. اهداف عمده این شرکت‌ها، افزایش ذخایر و کاهش هزینه‌ها و نهایتاً افزایش سودآوری بود. از بین پنج

۱. Petroleum Intelligence Weekly دسامبر ۱۹۹۹، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲

۲. مقایسه تطبیقی عملکرد شرکت‌های نفت و گاز در سال ۲۰۰۴، مهران امیرمیعینی، جعفر دامن پاک، اسفند ۱۳۸۴، موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی

نمودار ۵. تحولات شرکت‌های بین‌المللی نفت در رده‌بندی‌های PIW (۱۹۹۸-۲۰۰۴)



شرکت عمده بین‌المللی حاضر در جدول PIW، چهار شرکت روند ادغام و تملک را طی نموده‌اند. این چهار شرکت عبارت بودند از بی‌پی، اکسان موبیل، توتال و شورون تگزاکو. از جمله مهم‌ترین ادغام‌ها، تملک شرکت موبیل توسط شرک اکسان و تشکیل شرکت اکسان موبیل بود که به بزرگ‌ترین شرکت نفتی جهان تبدیل گردید. شرکت بی‌پی نیز با تملک شرکت‌های آموکو و آرکو و نیز مشارکت‌هایی مانند BP-TNK توانست دارایی خود را از ۸۴/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۸ به ۱۹۳/۶۳۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴ برساند که از این لحاظ پس از اکسان موبیل در مرتبه دوم قرار می‌گیرد. ادغام شرکت‌های شورون و تگزاکو و تشکیل گروه شورون تگزاکو و ادغام شرکت‌های توتال، فینا و الف و تشکیل گروه توتال فینال‌ف که بعداً به توتال تغییر نام یافت، از دیگر ادغام‌ها در صنعت نفت بود. اما روند حرکت شرکت‌های عمده بین‌المللی دیگر یعنی شل و انی متفاوت بود. راهبرد این دو شرکت، تملک‌های اندک در بخش‌های بالادستی و پائین دستی بوده است. بنظر می‌رسد که روند تملک‌ها و ادغام‌ها در صنعت نفت (حداقل تملک‌های عظیم) رو به کاهش می‌باشد و شرکت‌ها پس از ایجاد ساختارهای

۱. مقایسه تطبیقی عملکرد شرکت‌های نفت و گاز در سال ۲۰۰۴، مه‌ران امیرمعینی، جعفر دام‌ن‌پاک، اسفند ۱۳۸۴، موبسه مطالعات بین‌المللی انرژی.

جدید و پشت سر گذاشتن دوران تغییرات، به دنبال افزایش سودآوری از طرق گوناگون (کاهش هزینه‌ها، ابداعات، تکنولوژیکی و ...) می‌باشند. شاهد این مدعا نیز عدم ثبت تملک و ادغام بزرگ در صنعت نفت از سال ۲۰۰۲ به بعد می‌باشد.

از جمله عواملی که به معکوس شدن روند سیر صعودی شرکت‌های بین‌المللی در رده‌بندیها کمک می‌کند می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. اگرچه شرکت‌های بزرگ نفتی به سبب قیمت‌های بالای نفت به سودهای کلانی دست یافته و در حال حاضر از سرمایه نقدی خوبی برخوردار هستند، اما تعداد معدودی شرکت برای تملک توسط آنها باقی‌مانده است. از طرفی شرکت‌های موجود برای تملک نیز به اندازه کافی بزرگ نیستند تا تاثیر ادغام‌های بزرگ گذشته را به همراه داشته باشند. اما نباید از نظر دور داشت که تملک هنوز نیز به عنوان استراتژی مناسبی برای رشد و توسعه در دستور کار شرکت‌های بزرگ نفتی قرار دارد اگرچه ابعاد آن هرگز قابل مقایسه با ادغام‌های گذشته نیست. حتی تملک شرکت Unocal توسط شرکت Chevron که بزرگ‌ترین معامله از این نوع در سال ۲۰۰۵ محسوب می‌شود، توانست شرکت Chevron را فقط یک پله در رده‌بندی سال ۲۰۰۵ از شرکت Total بالاتر ببرد. برای روشن‌تر شدن مطلب می‌توان به معاملات انجام شده در سال ۲۰۰۴ اشاره کرد که در بین آنها بالاترین حجم معامله مربوط به تملک شرکت Yuganskneftegaz توسط شرکت روسی نفت Rosneft (با مالکیت دولتی) است که حدود ۹ میلیارد دلار برآورد شده است (جدول ۶). لازم به ذکر است که خود شرکت Rosneft نیز در معامله دیگری به ارزش ۵/۵ میلیارد دلار توسط شرکت Gazprom خریداری شد که حکایت از این دارد که بخش اعظم سهام فروخته شده در سال ۲۰۰۴ توسط شرکت‌های دولتی خریداری شده است و بخش عمده ادغام‌ها و تملک‌ها نیز از نوع معاملاتی بوده است که صرفاً میان دولت‌ها و یا میان شرکت‌های دولتی صورت گرفته که این امر در ادغام‌ها و تملک‌ها، بی‌سابقه بوده است. این ادغام‌ها در حقیقت در ادامه سیاست‌های پوتین برای تاسیس یک ابر شرکت ملی نفت و گاز به نام Gazprom است. البته نباید از نظر دور داشت که شرکت ConocoPhillips نیز توانست با پرداخت ۲ میلیارد دلار، سهم ۷/۵۹ درصدی دولت روسیه از سهام Lukoil را خریداری کند و در مجموع ۱۰ درصد از سهام این شرکت را صاحب شود. ConocoPhillips قصد دارد تا سهم خود را در شرکت Lukoil تا ۲۰ درصد افزایش دهد. بنابراین دو شرکت Lukoil و ConocoPhillips توانستند با انعقاد یک پیمان راهبردی، پایه‌های مشارکت خاص برای توسعه میدانی نفت در شمال غرب روسیه و احتمالاً عراق را پی‌ریزی کنند. اگرچه خرید سهام Lukoil

توسط ConocoPhillips یک اتفاق مهم برای هر دو شرکت مذکور است اما در هر صورت عدم توفیق ConocoPhillips در دستیابی به ۲۵ درصد از سهام Lukoil که می توانست به این شرکت حق تصمیم گیری در امور این شرکت را بدهد، نشان از این واقعیت دارد که شرکت های بین المللی نفت در دوران پس از پرونده شرکت Yukos با محدودیت هایی مواجه هستند چراکه همین دو سال قبل بود که BP به راحتی توانست قرارداد مالکیت ۵۰ درصدی TNK-BP را به امضا برساند.

### جدول ۶. معاملات عمده میان شرکت های انرژی در سال ۲۰۰۴

توضیحات	ارزش معامله (میلیون دلار)	فروشنده	خریدار
۷۶٪ شرکت *Yuganskneftegaz	۹۳۳۰	Yuganskneftegaz	Rosneft
Rosneft ۱۰۰٪	۵۵۰۰	Rosneft	Gazprom
۳۱٪ از شرکت MAP	***۳۰۰۰	Ashland	Marathon
۱۰٪ سهام Lukoil	***۲۹۵۰	Lukoil	ConocoPhillips
۵۱٪ سهم شرکت Petrom که قبلا تحت مالکیت دولت رومانی بود	۱۹۵۰	Petrom	OMV

منبع: Petroleum Finance Company 2005

توضیح: تملک های انجام شده توسط شرکت های Rosneft, Gazprom و Marathon منوط به موافقت سهامداران و تصویب دولت است.

\* این تملک شامل خریداری ۱۰۰ درصد سهام دارای رای شرکت Yuganskneftegaz است.

\*\* ارزش این معامله ثابت نیست و منوط به ارزیابی IRS<sup>۱</sup> می باشد.

\*\*\* ارزش این معامله تقریبی است و شامل سهامی است که ارزش تقریبی آنها معادل ۱۰ درصد ارزش شرکت Lukoil محاسبه شده است.

۲. با توجه به بی ثباتی قیمت های نفت، ادغام و یا تملک شرکت های دیگر و به دنبال آن ارزیابی سهام شرکت پس از ادغام و تملک مستلزم خوشبینی در مورد آینده قیمت های نفت است.

۳. با تهی شدن ذخایر و افت تولید و نیز عدم دسترسی شرکت های بین المللی به ذخایر قابل توجه جدید، حجم سرمایه گذاری های این شرکت ها در بخش بالادستی محدود خواهد شد و این شرکت ها با مشکل جایگزینی ذخایر مواجه خواهند شد

۱. Internal Revenue Service یک شرکت دولتی آمریکایی است که وظیفه جمع آوری مالیات ها و اجرای احکام مالیاتی را به عهده دارد

کاهش نسبت ذخایر به تولید (R/P) که ممکن است آینده فعالیت این شرکت‌ها را دچار مخاطره کند. کشورهای میزبان نیز دیگر تمایلی به عقد قراردادهای مشارکت در تولید با شرکت‌های بین‌المللی ندارند و بیشتر متمایل به انعقاد نسخه‌های تغییر شکل یافته بیع متقابل هستند. این کشورها تمایل دارند تا در توسعه میادین بزرگ خود، بیشتر از پتانسیل داخلی (شرکت‌های ملی نفت) بهره گرفته و در صورت لزوم ترجیح می‌دهند که از خدمات شرکت‌های هندی و چینی بهره گیرند.

۴. شرکت‌های عمده نفتی با نسل جدیدی از رقبا نظیر PetroChina, Petronas, ONGC, Petrobras و مانند اینها مواجه‌اند که در حقیقت همان شرکت‌های ملی نفت با مالکیت دولتی و یا نیمه دولتی هستند. این شرکت‌ها از آن جهت برای شرکت‌های بزرگ خطرناک هستند که برای سودآوری‌های کم نیز مایل به ریسک زیاد می‌باشند و برای فرصت‌های محدود رشد و توسعه، حاضر به نبردی جدی با شرکت‌های بزرگ هستند. مثال بارز این امر رقابت تنگاتنگ شرکت CNOOC چین با شرکت Chevron برای تملک Unocal در سال ۲۰۰۵ است.

اما در مورد شرکت‌های ملی نفت وضع به گونه دیگری است. همان‌طور که در نمودار ۶ مشاهده می‌شود، شرکت‌های ملی نفت که در چند سال گذشته در رتبه‌های پایین‌تر جدول قرار می‌گرفتند، به تدریج در سال‌های اخیر پله‌های ترقی را در جدول رده‌بندی طی کرده‌اند.

علاوه بر دلایلی که در مورد افول شرکت‌های بین‌المللی مطرح شد، عوامل دیگری نیز در ظهور مجدد شرکت‌های ملی نفت دخیل می‌باشند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. روند رو به رشد ملی شدن شرکت‌ها و ذخایر نفت و گاز در کشورهای نظیر روسیه و ونزوئلا که منجر به افزایش میزان دارایی‌ها و میزان تولید و ذخایر نفت و گاز این شرکت‌ها می‌شود. ونزوئلا در حال حاضر سرگرم کاستن از سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش نفت و گاز این کشور است و در روسیه نیز شرکت‌های روسی Gazprom و Rosneft که دارای مالکیت دولتی هستند، تمام یا بخشی از شرکت‌های خصوصی Yukos و Sibneft را به تملک خود درآورده‌اند.

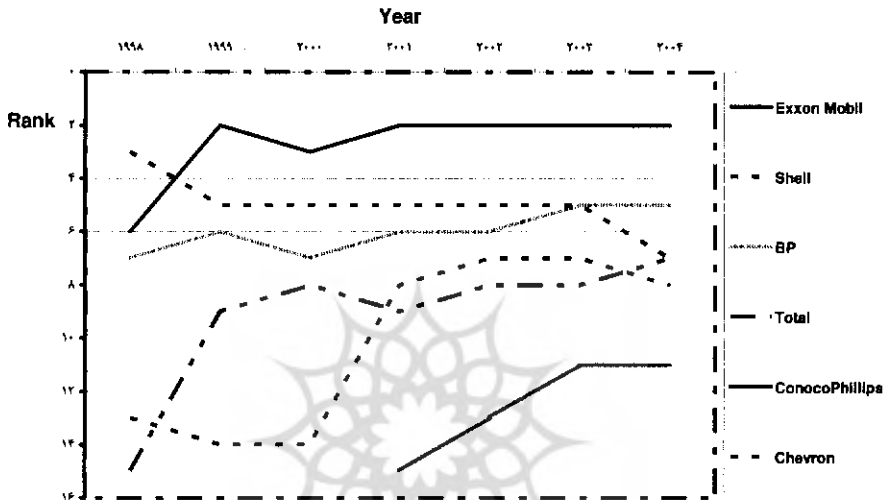
۲. رشد چشمگیر برخی از شرکت‌های ملی نفت نظیر PetroChina چین، Petronas مالزی، Petrobras برزیل و سایر شرکت‌های ملی نفت.

۳. افزایش تولید نفت توسط شرکت‌های ملی نفت کشورهای عضو اوپک نظیر ایران، کویت و عربستان سعودی در سال ۲۰۰۴. عربستان سعودی در سال ۲۰۰۴ توانست ۷۸۵ هزار بشکه در روز به سطح تولید خود بیافزاید و تولید نفت خام خود را به

۹/۸ میلیون بشکه در روز برساند<sup>۱</sup> که این افزایش تولید در چارچوب قراردادهای مشارکت در تولید بود.

۴. قیمت‌های بالای نفت و روند رو به رشد تقاضا برای نفت در جهان.

نمودار ۶. تحولات شرکت‌های ملی نفت در رده‌بندی‌های PIW (۱۹۹۸-۲۰۰۴)



### نقاط قوت و ضعف رده‌بندی‌های PIW و PFC

هفته نامه Petroleum Intelligence weekly در انتهای هر سال از میان ۱۳۰ شرکت ملی و بین‌المللی فعال در زمینه نفت و گاز، ۵۰ شرکت برتر را بر اساس شاخص‌های مالی و عملیاتی همچون میزان ذخایر و تولید نفت و گاز، میزان فروش فرآورده و ظرفیت پالایشی رده‌بندی می‌نماید. لازم به ذکر است که این اطلاعات مربوط به سال قبل از انتشار رده‌بندی است. در رده‌بندی PIW در سال ۲۰۰۵ نیز از اطلاعات مربوط به سال ۲۰۰۴ استفاده شده است. رده‌بندی PIW صرفاً براساس شاخص‌های عملیاتی همچون میزان ذخایر، میزان تولید نفت و گاز، میزان فروش فرآورده و ظرفیت پالایشی شرکت‌ها انجام می‌گیرد اما برای ارزیابی تصویری روشن‌تر و شفاف‌تر از وضعیت و عملکرد شرکت‌ها، عملکرد مالی شرکت‌ها نظیر درآمد ناخالص، سود خالص، ارزش کل دارایی‌ها و تعداد

1. PIW, December 12, 2005: Special Supplement

کارکنان شرکت‌ها نیز به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد هر چند از این اطلاعات در رده‌بندی‌های کلی PIW استفاده نمی‌شود. البته PIW هیچ‌گاه جزئیات فرمول و یا متدولوژی مورد استفاده خود در رده‌بندی‌هایش را به تفضیل ارائه ننموده است و تنها به این نکته بسنده می‌کند که در سیستم رده‌بندی خود، به شرکت‌های ملی نفت که دارای ذخایر عظیم نفت و گاز هستند و نیز شرکت‌هایی که تنها در یک بخش از صنعت نفت به‌طور تخصصی فعالیت می‌کنند وزن بیشتری می‌دهد.

از نقاط قوت رده‌بندی PIW می‌توان به این مورد اشاره کرد که شرکت‌هایی که در این رده‌بندی قرار می‌گیرند جزو بزرگ‌ترین شرکت‌های فعال در زمینه نفت و گاز جهان هستند به‌طوری‌که ۵۰ شرکت ملی و بین‌المللی نفت و گاز که در این جدول قرار دارند، مجموعاً حدود ۸۵ درصد از ذخایر نفت جهان را در اختیار دارند و حدود ۷۹ درصد تولید نفت جهان توسط این شرکت‌ها انجام می‌شود. علاوه بر این، حدود ۷۷ درصد فروش فرآورده‌های نفتی و ۶۲ درصد ظرفیت پالایشی جهان متعلق به این شرکت‌هاست. در مورد ذخایر گاز نیز باید گفت که ۷۰ درصد از کل ذخایر گاز طبیعی جهان در کنترل شرکت‌های مذکور است. از بعد تاثیر عملکرد این شرکت‌ها بر اقتصاد جهان نیز می‌توان گفت که این شرکت‌ها در سال ۲۰۰۴ توانستند ۲/۴ تریلیون دلار درآمد ناخالص کسب کنند.

موسسه Petroleum Finance Company که یک موسسه مشاوره‌ای انرژی است به‌صورت فصلی ۵۰ شرکت برتر انرژی را با یکدیگر مقایسه می‌کند. شرکت‌هایی می‌توانند در رده‌بندی PFC شرکت کنند که سهام آنها در بازارهای بورس جهان داد و ستد می‌شود و PFC آنها را بر مبنای ارزش بازاری و تحت نام رده‌بندی انرژی ۵۰، مورد مقایسه قرار می‌دهد. بنابراین شرکت‌های ملی نفت Saudi Aramco, PDV, PEMEX و شرکت ملی نفت ایران در جدول رده‌بندی انرژی ۵۰ حضور ندارند.

با بررسی جدول ۷ می‌توان دریافت که رده‌بندی‌های PIW و PFC صرف‌نظر از عدم حضور برخی از شرکت‌های ملی نفت عمده جهان نظیر Saudi Aramco, PDV, Pemex و شرکت ملی نفت ایران در جدول PFC که عمدتاً به دلیل عدم حضور این شرکت‌ها در بازارهای بورس جهانی است در مجموع با یکدیگر همسو و هم‌جهت هستند. به‌طور کلی رده‌بندی PFC شرکت‌هایی را با یکدیگر مقایسه می‌کند که از لحاظ شم‌انداز/ ماموریت<sup>۱</sup> و نیز هویت تا حد زیادی با یکدیگر شباهت دارند، بیشتر شرکت‌های



حاضر در جدول رده‌بندی انرژی ۵۰ شرکت‌های با مالکیت خصوصی هستند که ماموریت آنها فعالیت در جهت ایجا: ارزش بیشتر و نیز پرداخت سود سهام بیشتر به سهامداران است، و به همین دلیل این رده‌بندی از انسجام و یکپارچگی بیشتری برخوردار است و نتایج آن بیشتر قابل استناد می‌باشد. شاید تنها نقطه ضعف این رده‌بندی عدم حضور برخی از شرکت‌های ملی نفت و گاز است که از جمله بازیگران مطرح بازارهای انرژی محسوب می‌شود. اما از نقطه نظر اینکه رده‌بندی PFC بر مبنای ارزش بازاری شرکت‌ها می‌باشد و ارزش سهام هر شرکت در بازارهای بورس حاصل آرایه اطلاعات شفاف در مورد عملکرد شرکت‌ها می‌باشد، می‌تواند شاخص مناسبی برای ارزیابی کارایی و عملکرد شرکت‌ها باشد.

جدول ۷. مقایسه رده‌بندی ده شرکت برتر توسط PIW و PFC

رده‌بندی PIW	رده‌بندی PFC	شرکت
۱	N/A	Saudi Aramco
۲	۱	Exxon Mobil
۳	N/A	PDV
۴	N/A	NIOC
۵	۲	BP
۶	۳	Shell
۷	۴	Total
۸	۵	Chevron
۹	N/A	Pemex
۱۰	۷	PetroChina
۱۷	۶	ENI
N/A	۸	BHP Billiton
۲۴	۹	Gazprom
N/A	۱۰	E.ON

اما رده‌بندی PIW با مشکلات و ابهامات متعددی مواجه است. اول آنکه در این رده‌بندی شرکت‌های ملی و شرکت‌های بین‌المللی با یکدیگر به‌صورت یکسان در مقام

مقایسه قرار می‌گیرند که همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد نوع چشم‌انداز/ ماموریت تعریف شده برای آنها بر استراتژی‌های اتخاذ شده، بر اهداف و در نتیجه عملکرد آنها تأثیر می‌گذارد و کلاً این نوع مقایسه را زیر سؤال می‌برد. ثانیاً متدولوژی و فرمولی که توسط آن، به هر یک از عوامل و شاخص‌های فیزیکی وزن خاصی داده می‌شود تا در نهایت به صورت شاخصی واحد بیانگر مرتبه شرکت در میان شرکت‌ها باشد مشخص نیست. در مجموع این‌گونه رتبه‌بندی ممکن است بیشتر ذهنی و مطابق نظر کارشناسان PIW باشد تا یک رده‌بندی کاملاً مبتنی بر ملاک‌های عینی. ثالثاً برخی از اطلاعات مربوط به ذخایر نفت و گاز شرکت‌های ملی نفت که در حقیقت ذخایر ملی کشورهای متبوعشان است از منابع اولیه اخذ شده است که صحت و سقم آنها به دلیل ملاحظات سیاسی و سهمیه‌بندی‌های اوپک در سال‌های اخیر، مورد شک و تردید است و نمی‌تواند منبع موثقی برای ارزیابی باشد. و آخر آنکه PIW ظاهراً هدف خاصی را از این نوع رده‌بندی دنبال نمی‌کند زیرا نتایج حاصل از این رده‌بندی تأثیر خاصی بر رفتار شرکت‌ها و همچنین بازارهای انرژی و یا تصمیم‌گیری‌های بورس ندارد. اما در عوض رده‌بندی PFC نمایانگر میزان موفقیت و نحوه رقابت شرکت‌ها در بازارهای بورس جهان است و سهامداران بالقوه با مطالعه و تعقیب این رده‌بندی‌ها، می‌توانند تصویری روشن از نحوه عملکرد، میزان کارایی و سودآوری شرکت‌ها داشته باشند که این امر در تصمیم‌گیری‌های آینده آنها در مورد خریداری سهام شرکت یا شرکت‌های خاصی، یقیناً موثر خواهد بود. از سوی دیگر مدیران صنعت نفت با بررسی تحولات شرکت‌ها در رده‌بندی‌های PFC می‌توانند به نقاط ضعف و قوت شرکت‌ها وقوف یابند و در تصمیم‌گیری‌های خود به آنها استناد کنند. به نظر موسسه اگر PIW در رده‌بندی‌های آتی خود مولفه‌های مالی شرکت‌ها را نیز دخیل کند شاید بتواند تصویر روشن‌تری از وضعیت، عملکرد و بهره‌وری شرکت‌ها به دست دهد. هرچند دستیابی به اطلاعات مالی برخی شرکت‌ها عملاً غیرممکن بوده و یا بعضاً اطلاعات ارایه شده قدیمی و بلااستفاده است و رجوع به برآوردها و اطلاعات به دست آمده از منابع ثانویه نیز از دقت و صحت رده‌بندی می‌کاهد، اما در مجموع ذکر این نکته لازم است که بررسی و تلفیق نتایج این دو رده‌بندی برای کارشناسان و محققان مفید خواهد بود زیرا آنها می‌توانند با بررسی این رده‌بندی‌ها و تلفیق نتایج آنها با یکدیگر، روند تحولات شرکت‌های نفت و گاز، استراتژی‌های اتخاذ شده توسط آنها و نیز وضعیت عملکرد آنها را مورد ارزیابی قرار داده و تصویری کلی از بازارهای انرژی (که این شرکت‌ها از جمله بازیگران عمده آن محسوب می‌شوند) را به دست دهند.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به تصویری که از بررسی رده‌بندی‌های PIW و PFC در سال‌های ۲۰۰۴ و قبل از آن و نیز تحولات شرکت‌های ملی و بین‌المللی در سال‌های اخیر به‌دست آمده است، می‌توان دریافت که شرکت‌های بین‌المللی به‌عنوان بازیگران اصلی بازارهای انرژی، دیگر مانند گذشته به ادغام‌های کلان به‌عنوان استراتژی اصلی توسعه نمی‌نگرند، بلکه سیاست توسعه‌ای آنها بیشتر به تملک شرکت‌های کوچک محدود می‌شود. در عوض این شرکت‌ها پس از ایجاد ساختارهای جدید و پشت سر گذاشتن دوران تغییرات، به‌دنبال افزایش سودآوری از طرق گوناگون (کاهش هزینه‌ها، ابداعات تکنولوژیکی و ...) می‌باشند. بنابراین می‌توان انتظار داشت که این بار نوبت شرکت‌های ملی نفت و گاز باشد که به سبب روند رو به‌رشد ملی شدن، افزایش میزان تولید نفت و گاز، روند فزاینده تملک‌ها و ادغام‌های کلان و نیز قیمت‌های بالای نفت و گاز در رده‌بندی‌های آتی، از لحاظ شاخص‌های فیزیکی گوی سبقت را از شرکت‌های بین‌المللی برابیند و صدرنشین شوند. در مجموع، سال‌های آینده به‌رغم قیمت‌های بالای نفت، سال‌های سختی برای شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نفت است زیرا این شرکت‌ها مجبورند با رقبای نوظهوری از کشورهای چین، روسیه، برزیل و ... که برای سودآوری هرچند اندک حاضرند به هر ریسکی تن بدهند دست و پنجه نرم کنند. از سوی دیگر کشورهای نفت‌خیز به سبب توانمند شدن شرکت‌های ملی خود بیشتر مایلند تا طرح‌های بزرگ، سودآور و کم‌خطر را به این شرکت‌ها و یا شرکت‌های ملی دیگر کشورها بسپارند و در صورت مشارکت با شرکت‌های بین‌المللی نیز، دیگر مایل به عقد قراردادهای مشارکت‌درتولید نیستند که امتیاز و سود زیادی را برای شرکت‌های بین‌المللی تضمین می‌کند و بیشتر نسخه‌های تغییر شکل‌یافته بیع متقابل را می‌پسندند. در سال‌های آینده، روسیه به‌عنوان یکی از عرضه‌کنندگان بزرگ انرژی و چین و هند به‌عنوان مصرف‌کنندگان عمده انرژی در بازارهای جهانی انرژی نقش بسیار مهمی را ایفا خواهند کرد. روسیه برای حل مشکلات اقتصادی خود دست به دامن قهرمان جدیدی به نام Gazprom شده است که در حال حاضر با ولع بسیار، سرگرم بلعیدن سایر شرکت‌ها و تبدیل شدن به یک ابر شرکت ملی نفت و گاز است. اگرچه این شرکت از انحصار مالکیت ذخایر عظیم گاز و نیز حمایت‌های بی‌دریغ سیاسی کرملین بهره می‌برد، اما هنوز فاقد ابزارهای مالی و مدیریتی لازم برای تبدیل شدن به یک بازیگر بین‌المللی است و با توجه به مشکلات سیاسی و اقتصادی مسکو، این شرکت راه درازی را تا تبدیل شدن به یک غول انرژی در پیش دارد. ولی در هر صورت در سال‌های آتی، شاهد ظهور

بازیگر اصلی دیگری از سرزمین روسیه در بازارهای انرژی خواهیم بود که به جهت وجوه مشترک آن با شرکت ملی نفت ایران؛ پیگیری دقیق تحولات این شرکت برای صنعت نفت کشورمان مسلماً آموزنده خواهد بود.

## منابع

1. PFC Energy 50, January 2005
2. PFC Energy 50, January 2004
3. PFC Energy 50, January 2003
4. PFC Energy 50, January 2002
5. PFC Energy 50, January 2001
6. PFC Energy 50, January 2000
7. PIW, Dec. 2005
8. PIW, Dec. 2004
9. PIW, Dec. 2003
10. PIW, Dec. 2002
11. PIW, Dec. 2001
12. PIW, Dec. 2000
13. PIW, Dec. 1999

۱۴. بررسی وضعیت و عملکرد مقایسه‌ای شرکت‌های عمده بین‌المللی نفتی ۱۹۹۸-۲۰۰۳، مهران امیرمعینی، جعفر دامن‌پاک و محمدعلی حاجی‌میرزایی، اسفند ۱۳۸۳، موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
۱۵. مقایسه تطبیقی عملکرد شرکت‌های نفت و گاز در سال ۲۰۰۴، مهران امیرمعینی، جعفر دامن‌پاک، اسفند ۱۳۸۴، موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.